هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً شان را به ره خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ دهم ۱۱جوزای ۱۳۹۲   ۲۲ رجب۱٤۳٤ - 1st June 2013

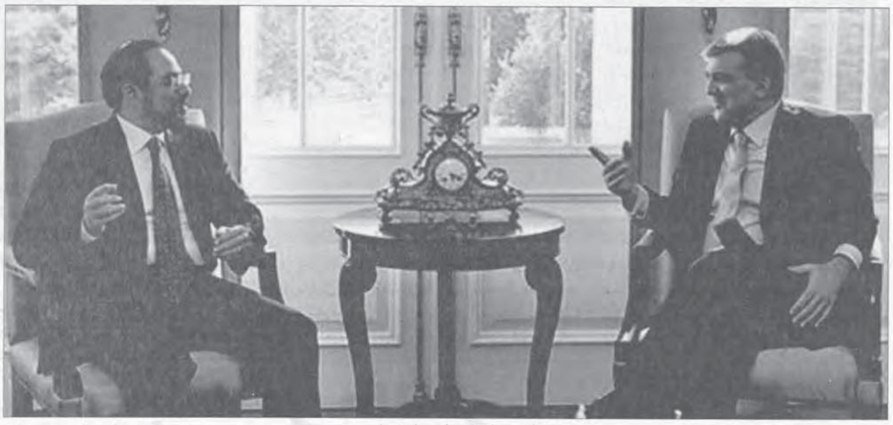


همه می دانیم که توطیه ها ابتدا از جنوب آغاز شد و آهسته آهسته به شمال هم رسید. اما با فداکاری هایی جنرال داوود شهید و سایر همسنگران عزیزش اوضاع تغییر کرد و به ثبات تبدیل شد.

از سخنان رهبر شهید

صلاح الدین ربانی:

ترکیه دوست کم نظیر افغانستان است



دوشنبه تاریخ ۶ جوزا محترم صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح با جلالتمآب عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه ملاقات نمود. طی این دیدار طرفین روی موضوعات مختلف از جمله پروسهٔ صلح و روابط دوجانبه بین افغانستان و کشور دوست ترکیه بحث و گفتگو نمودند.

رئیس جمهور ترکیه وعده نمود تا افغانستان را در زمینه های مختلف از جمله تأمین صلح و ثبات از راه های ممکنه یاری رساند.

در این ملاقات صلاح الدین ربانی ضمن تشکر و قدردانی از تلاش ها و کمک های این کشور در دوره های مختلف، تصرح نمود که ترکیه دوست نزدیک برای مردم افغانستان است و این دوستی برای همیش ادامه خواهد یافت.

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان در بیست و دومین کنفرانس بین المللی اتحادیهٔ جوامع مسلمان در ترکیه:

در برخی از کشورهای اسلامی از دین بعنوان ابزار رسیدن به اهداف سیاسی کار گرفته می شود

ص۳

انتخابات در هاله ای از ابهام ها

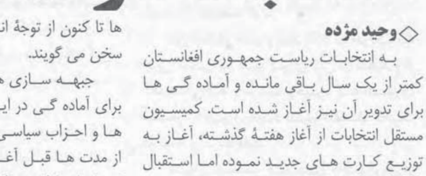
◇وحید مژده

به انتخابات ریاست جمهوری افغانستان کمتر از یک سال باقی مانده و آماده گی ها برای تدویر آن نیز آغاز شده است. کمیسیون مستقل انتخابات از آغاز هفتهٔ گذشته، آغاز به توزیع کارت های جدید نموده اما استقبال مردم از این پروسه حتی در شهر کابل هم تا کنون سرد بوده است. امید به آیندهٔ بهتر می تواند مشوق مردم به مشارکت در انتخابات باشد اما در شرایطی که همه چیز پوشیده در پردهٔ ابهام است، غیر منتظره نیست اگر رسانه ها تا کنون از توجهٔ اندک مردم به این پروسه سخن می گویند.

جبهه سازی ها و بست و گسست ها برای آماده گی در این انتخابات از جانب گروه ها و احزاب سیاسی و شخصیت های مستقل از مدت ها قبل آغاز گردیده ولی برعکس دو انتخابات گذشته که رئیس جمهور از قبل مشخص بود، در مورد اینکه چه کسی برای پنج سال آینده سکان رهبری کشتی طوفان زدهٔ افغانستان را بعهده خواهد داشت، تصوری مانند گذشته در اذهان وجود ندارد.

دلیل اول این ابهام ناشی از اختلافات در جبههٔ مخالف تیم حاکم در سطح اپوزیسیون سیاسی است که تا کنون از رسیدن به توافقی که آنها را در حمایت از یک نامزد واحد متحد سازد، ناکام بوده اند. حامد کرزی هرچند ناتوان از ایجاد جبههٔ متحد در حمایت از خود بوده است اما وی در طول بیش از یک دهه نشان داده که در ایجاد اختلاف در صف اپوزیسیون خود از توانمندی کامل برخوردار است. او این توان را دارد تا در موقع مساعد وارد بازار مکارهٔ سیاست افغانستان گردیده و متاعی را که بدرد بخور تشخیص می دهد، به قیمتی چندین برابر بیشتر از دیگران بخرد و درصف مخالف جدائی افگند.

دلیل دیگر این ابهام هم اینست که برخلاف دو انتخابات در گذشته، کاندیدای مورد حمایت امریکا در افغانستان تا کنون مشخص نیست. هرچند مقامات امریکائی در اصول به این نکته تاکید دارند که امریکا از پروسهٔ انتخابات شفاف ص۲



خانواده ها و دولت به آینده سازان کشور توجه نمایند

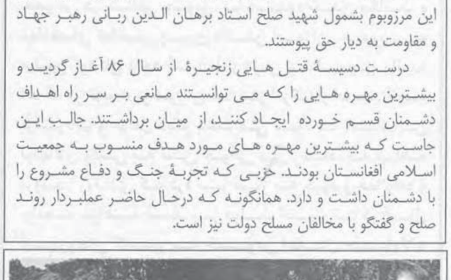
ص۲



دومین سالگرد شهادت جنرال داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری را گرامی می داریم

هفتم جوزا برابر بود با دومین سالروز شهادت جنرال داوود داوود فرماندهٔ زون ۳۰۳ پامیر و جنرال شاه جهان نوری فرماندهٔ امنیهٔ ولایت تخار. این فرماندهان عزیز همراه با تنی چند دوسال پیش زمانی توسط دستان ناپاک دشمنان مردم به شهادت رسیدند که مصروف جلسهٔ امنیتی در مقر ولایت تخار بودند. حادثهٔ تخار یکی از غم انگیزترین حادثات سالیان اخیر در کشور به شمار می رود. گرچند رخداد تخار نخستین وآخرین از این گونه حوادث نیست و نبود، پیش از شهادت جنرال داوود و جنرال نوری فرزندان دیگری را نیز این سرزمین در نبرد با دشمنان مردم افغانستان از دست داده اند. نخستین قربانی توطیه هایی تروریستی در کشور با شهادت قهرمان ملی شهید احمد شاه مسعود آغاز گردید. سپس روند نامیمون توطیه ادامه یافت و در این راه، ده ها تن از فرزندان اصیل این مرزوبوم بشمول شهید صلح استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت به دیار حق پیوستند.

درست دسیسهٔ قتل هایی زنجیرهٔ از سال ۸۶ آغاز گردید و بیشترین مهره هایی را که می توانستند مانعی بر سر راه اهداف دشمنان قسم خورده ایجاد کنند، از میان برداشتند. جالب این جاست که بیشترین مهره های مورد هدف منسوب به جمعیت اسلامی افغانستان بودند. حزبی که تجربهٔ جنگ و دفاع مشروع را با دشمنان داشت و دارد. همانگونه که درحال حاضر عملبردار روند صلح و گفتگو با مخالفان مسلح دولت نیز است.



نگرانی کشورهای عضو "سازمان پیمان امنیت دسته جمعی" از امنیت افغانستان

نا امنی در افغانستان سبب نگرانی کشورهای آسیای میانه و روسیه نیز گردیده است. در ارتباط وضعیت امنیتی افغانستان، هفتهٔ گذشته رؤسای جمهور قزاقستان، قرغزستان، روسیه و تاجیکستان در اجلاس یک روزه در بشکیک مرکز قرغزستان اشتراک و در مورد تهدید های جدید امنیتی ص۵

چرا طالبان به دفتر سازمان ملل متحد حمله کردند؟ ص۲

د کوچنیانو د نړیوالې ورځې په مناسبت ۴مخ

اعتصاب دانشجویی دانشگاه کابل انگیزه ها و پیامدها ص۵

به یاد گفته های جنرال داوود شهید ص۵

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: وزیر محمد اکبرخان سرک ۱۵کوچه B5 خانه نمبر ۲۶۲

شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

خانواده ها و دولت به آینده سازان کشور توجه نمایند

در تقویم، امروز (۱۱جوزا) مصادف است با روز جهانی کودک. کودکان که آینده سازان جامعه اند و فردای جامعه به آنها تعلق می گیرد و به دست پرتوان آنها رقم می خورد، بر اساس گزارش هایی سازمان ملل متحد، حدود نیمی از نفوس افغانستان را کودکان زیر سن پانزده سال که مطابق قانون کودک خوانده می شوند - تشکیل می دهد. پس بر خانواده ها و مسؤولان دولت است تا در سلامت جسمی و روحی کودکان و تعلیم و تربیت آنها توجهٔ جدی داشته باشند تا در فضای محبت و خوشبختی بزرگ شوند.

بستر اولی و اصلی کودک، خانواده و بعد از آن محیط زیست و نهادهای تعلیمی است که در روح و روان و تعلیم و تربیت طفل اثر مستقیم می گذارد. زیرا در خانواده و جوامع سالم، اطفال سالم بار می آیند. اطفال سالم اند در فردایی که در رأس امور قرار می گیرند کشور و مردم را به سوی ترقی و تعالی سوق می دهند.

چالش های فراوان فرا راه کودکان کشورما قرار دارد. برخی خانواده ها به دلیل فقر، کودکان شان را مجبور به کارهای شاقه می کنند تا لقمه نانی به دست آرند و این سبب می شود تا کودکان شان از فراگیری درس و تعلیم نیز باز مانند. در حقیقت این نونهالان در مرحلهٔ اول، قربانیان فقر و بی توجهی اولیای شان می شوند.

از سوی دیگر از اثر نا امنی در سراسر کشور به خصوص در مناطق جنوبی، با مسدود شدن مکاتب و نهادهای تعلیمی بروی دانش آموزان، حدود سه میلیون کودکان واجد شرایط از درس و تعلیم باز مانده اند که در تربیت برخی آن ها نیز اثرگذار است. آنچه برشمردیم و عوامل دیگر باعث می شود تا تعداد این نونهالان وقتی به سن جوانی می رسند، به بیراهه بروند. روندی که درد سر ساز به خود و خانواده و جامعه خواهند شد. بر دولت است تا در قبال شهروندان کشور به خصوص اطفال، مسؤولانه بیاندیشد.

اعلامیهٔ جهانی حقوق کودک که در نومبر ۱۹۵۹ از سوی سازمان ملل متحد، به تصویب رسید، مصادیق حقوق کودک را برشمرده و شکنجه و تبعیض علیه آنان را ممنوع اعلام نموده است. همچنان مجمع عمومی سازمان ملل در نومبر ۱۹۸۹، کنوانسیون حقوق اطفال را به تصویب رساند، که به حقوق اطفال اعم از لحاظ مدنی و کیفری، توجهٔ ویژه نموده است و از دول طرف کنوانسیون خواسته است که متن کنوانسیون را به نحوی در قلمرو حقوق حکومت های شان بگنجانند. افغانستان با تصویب قانون اساسی ۱۳۸۲ در ماده ٥٤ از رعایت حقوق و تربیت طفل یاد نموده است و من حیث کشوری که عضو سازمان ملل است باید این اعلامیه ها را در عمل پیاده نماید.

چرا طالبان به دفتر سازمان ملل متحد حمله کردند؟

• **ابوبکر سبزوار**

بدنبال واقعهٔ یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱، شورای امنیت سازمان ملل متحد مجوز حمله به افغانستان را صادر کرد و امریکا و متحدینش با حمله به افغانستان، بساط امارت اسلامی طالبان را برچیدند.

این مجوز برای آیساف صادر شد که گروهی به منظور کمک و همکاری قلمداد گردید اما با طولانی شدن این جنگ، پای ناتو هم به افغانستان باز شد تا در نخستین ماموریت خویش در خارج از مرزهای اروپا، شانس خود را در میدان جنگ افغانستان بیازماید. این جنگ اکنون به زخم خونین هم برای مردم افغانستان وهم برای نیروهای خارجی مبدل شده است.

جنگ افغانستان برای امریکا به دوازدهمین سال خود در شرایطی نزدیک می شود که جنگی به بن بست رسیده است. امریکا قصد خروج از افغانستان را دارد و می خواهد تا مسؤولیت های امنیتی را به نیروهای افغان بسپارد اما این نکته را هم بخوبی می داند که نیروهای افغان از توانائی لازم برای دفاع از افغانستان برخوردار نیستند.

امریکا که بزرگترین تمویل کنندهٔ این جنگ است، سرانجام خود را بر سر این دوراهی یافت که با طالبان چه کند؟ گروهی سخت جان که مرگ را آسان می گیرند و در صحنهٔ سیاسی هم حاضر به دادن هیچ امتیاز که امریکا خواستار آنست، نیستند. امریکا هرچند از طالبان خواست تا آدرسی در قطر داشته باشند، اما بزودی از این تلاش دست برداشت و طالبان نیز احساس کردند که هدف امریکا از پافشاری برای داشتن یک آدرس سیاسی برای آنان در حقیقت تلاشی در جهت دوپارچه ساختن طالبان به نام جناح نظامی و جناح سیاسی بود و مذاکرات با امریکا را به حالت تعلیق در آوردند.

طبیعی است که وقتی جنگی به بن بست می رسد، باید راهی بسوی مذاکره و رسیدن به صلح جستجو گردد. سازمان ملل متحد که مجوز جنگ افغانستان را صادر کرد، اکنون باید در یافتن راهی برای پایان این جنگ بی ثمر پا درمیانی نماید. نگرانی سازمان ملل متحد از آیندهٔ افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ و انتخابات در پیشرو نیز، ایفای چنین نقشی را برای این سازمان در افغانستان برجسته می سازد.

در اواخر سال گذشتهٔ میلادی سازمان ملل در افغانستان تلاشی را آغاز کرد که کنفرانسی را در عشق آباد پایتخت ترکمنستان سامان دهد تا در آن گروه های مختلف افغان بشمول طالبان گردهم آیند و فرصتی برای شریک ساختن نظریات میان آنان میسر گردد. این نشست می توانست آغازی برای نقش تازه برای سازمان ملل متحد در افغانستان باشد اما با مخالفت دولت افغانستان مواجه گردید. به نظر می رسد که اکنون سازمان ملل متحد از این تلاش دست برداشته است.

حکومت آقای کرزی که در نشست شانتی یی بعنوان یک گروه شرکت کرده بود، بزودی به این اشتباه خود پی برد و با پافشاری بر اینکه هر مذاکره ای باید تحت رهبری دولت افغانستان باشد، مانع از تدویر کنفرانس عشق آباد گردید اما این نکته روشن بود که اگر در آینده قرار باشد نشستی به منظور مذاکرات صلح صورت گیرد، سازمان ملل متحد باید در آن نقشی اساسی به عهده داشته باشد. از چند سال بدینسو، طالبان اشاره های مثبتی در مورد سازمان ملل متحد داشتند. آنها در اعلامیه های شان از سازمان ملل متحد هرچند شکوه داشتند، اما همیشه به این نکته نیز معترف بودند که در سطح بین المللی، این سازمان می تواند مورد اعتماد طالبان باشد و در مواردی که نیاز افتد، لااقل از روی ناچاری می توان با سازمان ملل کار کرد. ص۵

انتخابات در هالهٔ از ...

ادامه از صفحهٔ اول

در افغانستان حمایت می کند و پروژه ای را به منظور به قدرت رسانیدن شخص خاصی به پیش نخواهد برد اما با توجه به سیاست قصر سفید در جهان، قابل قبول نیست که امریکا کشوری را که در آن طولانی ترین جنگ تاریخ خود را براه انداخت و کشته داد و صدها میلیارد دالر هزینهٔ نظامی وغیرنظامی را متقبل شد، بدست موج انتخاباتی بسپارد که حتی در مساعد ترین شرایط، انتخاباتش مشحون از تقلب بود.

امریکا در گذشته در انتخابات افغانستان از تقلبی که به مصلحت امریکا بود، نه تنها انتقاد نکرد بلکه از آن حمایت نمود چنانچه جان کری وزیر خارجه بصراحت گفت که حامدکرزی در دور دوم ریاست جمهوری در نتیجهٔ یک انتخابات پرتقلب به قدرت رسید و امریکا به دلیل مصلحت، آنرا پذیرفت. با توجه به این سخن جان کری می توان گفت که، امریکا در آینده نیز در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، از تقلبی که به مصلحت این کشور باشد حمایت خواهد کرد تا از بقدرت رسیدن احتمالی کاندیدائی که با ایران یا روسیه روابط نزدیک داشته باشد، جلوگیری نماید.

اما در این میان نقش حامدکرزی نیز در انتخابات قابل دقت است؛ کرزی در مدت حدود چهارده سال حکومت داری در افغانستان، بعنوان رئیس جمهوری شناخته می شود که به دلیل عدم مبارزه با فساد گسترده در حکومتش، فرصت های زیادی را در این کشور از دست داد. در این فساد، اطرافیان آقای کرزی نیز نقشی مهم داشته اند. حامدکرزی نگران آنست که با بقدرت رسیدن مخالفین سیاسی اش، وی به دلیل فساد ناشی از سوء استفاده از قدرت، به محاکمه کشیده شود. تنها اختلاس از کابل بانک و عملی که وی در برابر آن انجام داد، کافیست تا او را سال ها در عقب میله های زندان قرار دهد. اعتبار حکومتی که جانشین حکومت فعلی می شود در گرو مبارزه با فساد در آینده و پی گیری موارد گستردهٔ فساد در گذشته خواهد بود.

تا کنون از جملهٔ شخصیت های مطرح لااقل نام یک نفر بعنوان کاندید احتمالی برده شده که او نیز قیوم کرزی برادر رئیس جمهور کنونی است هرچند آقای کرزی تا کنون از کاندیداتوری برادرش حمایت نکرده اما این خانواده که اعضایش اکنون ثروت هنگفتی اندوخته اند، نیاز به حاشیهٔ امن دارند تا از دسترسی قوهٔ قضائیه در امان باشند. اطرافیان حامدکرزی هم که از خوان یغما بهره برده اند، از همین اکنون به این فکر اند تا دست بدست هم بدهند و آیندهٔ خود را تامین نمایند. به گونهٔ مثال در طرحی که استاد سیاف در مورد آماده گی برای انتخابات ارائه نموده این مسئله به وضاحت آمده است.

استاد سیاف در این طرح در حالی که بر قانونمندی در نظام آیندهٔ افغانستان تاکید دارد «که مستلزم تطبیق قانون بر قانون شکنان و دزدان بیت المال است»، می خواهد تا رئیس جمهور آینده برای کسانی که در این دوره کار کرده اند، نه تنها حاشیهٔ امن فراهم سازد بلکه رای و نظر همین افراد در کارهای بعدی نظام و کشور شریک باشد: «تضمینات لازم برای حفظ حیثیت، عزت و امنیت کسانی که چه در وقت عهده داری وظایف رسمی و چه در غیر آن در راستای آزادی کشور و خدمت برای مردم سعی و تلاش نموده اند، و زمینه سازی برای شریک بودن رای و نظر ایشان در کارهای بعدی نظام و کشور»!! و در ادامه می نویسد: «و از ورای این همه حصول رضای الله جلت عظمته»!!

بنابراین همه کسانی که در طول چهارده سال گذشته در غارت بیت المال، گرفتن پول بی حساب از خارجی ها، غصب زمین و صدها خلاف کاری دیگر دست داشتند، نگران آینده اند. آنها منتظر اند تا بدانند که کاندیدی مورد تائید امریکا کیست و آیا با آنها حاضر به معامله خواهد بود یا نه؟ اگر کاندیدای امریکا کسی از تیم حامدکرزی باشد که تضمین امنیت مادی و معنوی یاران قدیم را بنماید، آنان بدور چنین شخصی گرد خواهند آمد و از طرح پیشنهادی استاد سیاف هم چنین برمی آید که جبهه ای که او بمیان می آورد، از چنین نامزدی در انتخابات حمایت خواهد کرد، اما اگر امریکا از کاندیدائی به حمایت برخیزد که منتقد وضع موجود باشد، در آنصورت حامدکرزی و تیم «حالت موجود» در برابر نامزد مورد حمایت امریکا نامزد خود را خواهند داشت وبا شعارهای آزادی طلبانه و مخالفت با امریکا، تلاش در جهت «حفظ حالت موجود» خواهند نمود و در صورت لزوم، از مختل ساختن پروسهٔ انتخابات هم خودداری نخواهند کرد.

این احتمال هم وجود دارد تا امریکا به چنین تنشی با تیم کرزی تن در ندهد و از کاندیدائی به حمایت برخیزد که بصورت مشترک مورد تائید تیم «حفظ حالت موجود» و امریکا باشد.

سوال اینست که چرا حامدکرزی از برادر خود در این انتخابات حمایت نمی کند؟ حامد کرزی می خواهد بعد از یک دوره بار دیگر خود را کاندید ریاست جمهوری سازد. بنابراین اگر فرضا قیوم کرزی در این دوره برندهء انتخابات گردیده و رئیس جمهور افغانستان گردد، ریاست جمهوری افغانستان شکل خاندانی را بخود خواهد گرفت و در نتیجه در دورهٔ بعد امکان بقدرت رسیدن برای حامدکرزی وجود نخواهد داشت. بنابراین حامد کرزی نمی خواهد شانس آیندهٔ خود را توسط برادرش قیوم کرزی از دست بدهد.

اما این نکته را باید در نظر گرفت که افغانستان کشوری است که در آن پیش بینی تحولات نه تنها مشکل که حتی ناممکن است. تحولات در این کشور به یک عامل دیگر یعنی صلح رابطهٔ مستقیم دارد. باید دید که قبل از انتخابات در سال ۲۰۱۴، آیا قدمی در جهت صلح برداشته خواهد شد یا نه؟

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح در بیست و دومین کنفرانس بین المللی اتحادیهٔ جوامع مسلمان در ترکیه:

در برخی از کشورهای اسلامی از دین بعنوان ابزار رسیدن به اهداف سیاسی کار گرفته می شود



پنجشنبه دوم جوزای ۱۳۹۲ هجری خورشیدی - استانبول ترکیه

حاضرین محترم، خواهران و برادران!

السلام علیکم رحمت الله و برکاته!

عرض سلام حضور حاضرین گرامی و درود بر روان مرحوم پروفیسور نجم الدین اربکان موسس حرکت نظر ملی یا ملی گروس، نخست وزیر پیشین ترکیه، و بنیانگذار اصلی کنگرهٔ بین المللی اتحادیه جوامع مسلمان.

اجازه دهید در قدم نخست از برادر عالیقدر آقای مصطفی کمالک رهبر حزب سعادت، و آقای رجایی کوتان دبیرکل ESAM و همه برادران ترک که در تنظیم و برگزاری این جلسه مهم و با ارزش سعی و تلاش ورزیدند اظهار سپاس و تشکر نمایم. نشستی مهمی که رجال برجستهٔ سیاسی، رهبران و شخصیت های بزرگی از کشورهای اسلامی را در شهر زیبای استانبول گردهم آورده تا پیرامون موضوعات مهم در راستای توسعه و پیشرفت امور مبتنی بر عدالت بر مبنای مساوات و برابری، سعادت و سعهٔ نظر که نه تنها محدود به جهان اسلام باشد بلکه، به کافه بشریت در جهان ارتباط بگیرد، بحث و تبادل نظر نمایند.

حضار گرامی،

در میان شخصیت های بزرگ جهان اسلام که در سال های گذشته در این جلسات مهم و با ارزش اشتراک نموده اند یکی شهید استاد برهان الدین ربانی می باشد. دانشمند بزرگ و رهبری که ۵۱ سال عمر گرانبهای خویش را صرف خدمت به مسلمانان و امت اسلامی نمود و با به عهده گرفتن رهبری مجاهدین در راستای مبارزه برای آزادی افغانستان از دست متجاوزین کمونیست و دست نشاندگان آنها و برای آوردن صلح و آشتی حتی جان شیرین خویش را از دست دادند. در حقیقت حضور در این گردهمایی بزرگ بعنوان فرزند و رهرو راه شهید استاد برهان الدین ربانی برای من افتخار و مسؤولیت بس بزرگی بوده و از اهمیت بسزایی برخوردار است.

راهی را که مرحوم نجم الدین اربکان و شهید استاد برهان الدین ربانی در پیروی از مقام و عظمت اسلام و برای موفقیت و سربلندی جامعهٔ اسلامی ادامه دادند، راهی است که ما همه آنرا دنبال کرده و با جدیت بخاطر تحقق اهدافی که آنها برای بمیان آوردن یک جامعهٔ پرافتخار و عادلانه داشتند، قدم برخواهیم داشت.

از آنجائی که در قرن ۲۱ به پیش قدم برمی داریم، امت مسلمه و جوامع اسلامی با مشکلات متعددی مواجه اند، مشکلات و چالش های که شامل پدیده های نو تر، و نیز ادامهٔ چالش های قبلی می شوند. و باید توجه نمود که اگر ما بر این مشکلات فایق نیاییم، برپایی یک جامعهٔ عدالت محور و قانونمند و یا رسیدن به نظم جهانی ممکن نخواهد بود. شرح همه مشکلات و چالش ها فرصت زیادی را ضرورت دارد و محدودیت وقت ایجاب آنرا نمی نماید، اما بصورت مختصر می خواهم به بعضی از چالش های که جهان اسلام با آن روبرو است اشاره نمایم.

اگر می گوییم در قرن بیست و یکم چالش های متعددی فرا روی امت اسلامیست، نباید فراموش کرد که فرصت های نیز وجود دارند که استفاده موثر و درست از این فرصت ها ما را به سوی کسب پیروزی و سعادت دایمی سوق می دهد.

برادران و خواهران عزیز،

توجه به مسئلهٔ فلسطین و درد و رنج و مصیبتی که مدت هاست برادران و خواهران مسلمان فلسطینی ما تحمل می نمایند، یک مسؤولیت بزرگ برای امت مسلمه می باشد. بی عدالتی و جنایاتی که علیه مردم بی گناه فلسطین صورت می گیرد قلب هر مسلمان آگاه را داغدار می سازد. ما بدون تعمق و توجه جدی به مسایلی از این قبیل که تقریباً اهمیت آن به یک میلیارد مسلمان قابل درک است، نمی توانیم در راستای برپایی نظام عدالت محور توقع موفقیت و پیروزی نماییم.

امروز با وجود تبلیغات مداوم و ناموجه رسانه ها علیه اسلام، دین اسلام در حال توسعه بیشتر در سطح جهان می باشد. پیوند تروریزم با اسلام و گسترش اسلام هراسی یکی از مشکلاتی است که مسلمان ها با آن مواجه اند. در حالی که اسلام از آن سخن می گوید که: من قتل نفسا بغیر نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً و من احیاها فکانما احیاالناس جمیعا (سوره مائده)

یعنی: هرکی انسانی را بدون اینکه قاتل باشد و یا در زمین فساد کند بکُشد، گویا همه مردم را کُشته است و هرکی در حفظ جان انسانی مبادرت ورزد ، گویا همه بشریت را از مرگ نجات داده است.

اما عدهٔ هستند که با انجام کارهای نادرست، تصویری خشونت آمیزی را از اسلام ارائه می دهند. همان طوری که ما شاهد ازدیاد گرایش بیشتر به اسلام هستیم، با حملات روزافزون رسانه ها بخاطر بد نامی و بد جلوه دادن دین اسلام و اسلام ستیزی در میان بیشتر از یک میلیارد مسلمان نیز مواجه هستیم.

اما سوال اینجاست که: آیا صرفاً انگشت اتهام را به سوی رسانه های بگیریم که اسلام هراسی را گسترش می دهند؟ آیا تنها رسانه ها و عدهٔ از عناصر ضد اسلام اند که محرک اصلی اسلام هراسی باید شناخته شوند؟ آیا اسباب دیگری نیز وجود دارد که در حقیقت این روحیه اسلام ستیزی و کارهای ضد اسلامی همان رسانه ها را تقویت می کنند؟ بلی، تردیدی نیست که عناصر بیرونی بصورت فعالانه در گسترش و تقویت اسلام ستیزی کار می کنند، اما باید به بعضی از مشکلات داخلی در جهان اسلام نیز توجه نمود. من باور دارم که گسترش افراطیت در بخشی از جهان اسلام نیز اسلام هراسی و اسلام ستیزی را تغذیه می کند. وقتی ما مسئلهٔ رشد افراطیت داخلی را مطرح می کنیم، به این سوال بر می خوریم که چی دلایل بر گسترش افراطیت در درون جوامع ما وجود دارد؟

البته دلایل زیادی برای افزایش و گسترش افراطیت در درون جهان اسلام وجود دارد. ایجاد سد در برابر تعیین سرنوشت مردم به دست خود آنها می تواند یکی از این دلایل به حساب آید. تحولات اخیر نشان می دهد که حکومت های که از مردم نمایندگی نمی کنند و همچنان ادامه سرکوب جوانان و محرومیت آنان از فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرصت های اقتصادی از علل اصلی و عمدهٔ خشم و آشفتگی نسل جوان به شمار می رود.

علت دیگر (برای افزایش افراط گرایی) متأسفانه اتخاذ سیاست های نادرست توسط بعضی از کشورها می باشد. در بعضی از کشورهای اسلامی از دین بعنوان ابزار رسیدن به اهداف سیاسی کار گرفته می شود. امروز مدارس یا مراکز آموزشی مذهبی دولتی، به مرکز اصلی رشد افراط گرایی مبدل شده است. شاگردان این مراکز بجز خشونتِ تحت نام اسلام چیزی دیگری نمی آموزند. صد ها مرد، زن و طفل بی گناه در هر هفته در اکثر کشورهای اسلامی جان های شان را از دست می دهند. این قتل ها تنها توسط حملات نیروهای خارجی نمی باشند، بلکه در نتیجه ای حملات انتحاری توسط جوانان آموزش دیده با اندیشه های افراط گرایانه بمیان می آید، در مراکزی که آنها به اصطلاح در مورد اسلام و در مورد دین صلح می آموزند. بخش عمده از مشکلات ما بعنوان امت اسلامی در قرن ۲۱ پرداختن به این موضوعات می باشد.

اکثراً در میان ما کسانی وجود دارند که به این باور اند: "پرداختن به موضوعات افراط گرایی فقط وظیفهٔ علمای دینی است". بلی، من نقش مرکزی علمای دینی را در این مورد انکار نمی کنم، اما انتظار آنرا نیز داریم تا فعالان اقشار دیگر امت اسلامی اعم از سیاسیون، نویسندگان، متفکران و رهبران جوامع در راستای خاتمه بخشیدن به این تهدیدات، در همکاری با علمای دینی آواز خود را بر ضد افراط گرایی بلند نمایند.

خواهران و برادران،

افزایش در میزان جوانان تحصیل کرده بزرگترین پیشرفت در جهان اسلام را نشان می دهد، در حالی که ما نباید به این موضوعات به حیث یک چالش نگاه کنیم، ما همچنان نباید به سادگی از این گذر نماییم که اگر این وضعیت بصورت درست مدیریت نشود و در زندگی سیاسی اقتصادی کشور سهم خود را ادا نکنند، این نسل جوان می تواند به منبع بی ثباتی و نا امنی مبدل شود. متأسفانه یکی از مشکلاتی که اکثر کشورهای اسلامی با آن مواجه اند، فرار جوانان تحصیل کرده از کشورشان می باشد، که بعنوان "فرار مغزها" از آن یاد می شود. نبود فرصت های اقتصادی، و آیندهٔ نا معلوم برای آنها در کشور های شان این جوانان را مجبور می سازد تا در جستجوی فرصت ها ی شغلی در کشورهای دیگر باشند. فرار این مردان جوان می تواند امت اسلامی را از استعداد های سازندهٔ جامعهٔ عدالت محور محروم بسازد.

در ادامهٔ بحث های مان، باید به این موضوع نیز پراخته شود و راه حل های را با ایجاد فرصت های مناسب برای آنها در کشورهای شان و جلوگیری از فرار این سرمایه ها از کشورهای اسلامی جستجو نماییم.

به هر حال، در جریان چند دههٔ اخیر، کشورهای اسلامی از تراژیدی های متعددی از قبیل وابستگی سیاسی، مشکلات اقتصادی، فقر، عقب ماندگی علمی و تکنالوژیکی رنج می برند در حالی که امت اسلامی ص۶



د کوچنیانو د نړیوالې ورځې په مناسبت

◇ شفیق

د مرغومي یوولسمه نیټه هر کال د کوچنیانو د نړیوالی ورځې په مناسبت لمانځل کیږي او د ملګرو ملتونو سازمان د منشور د دیارلسمې مادې له مخې ددغه سازمان د عمومي اسامبلۍ د انحصاري واکونو په چوکاټ کې د لرلي حق د بین المللي حقونو د تدریجي پراختیا په لړ کې یوه لاسته راوړنه هم، د کوچنیانو د حقونو کنوانسیون دی؛ چې د نورو کنوانسیونونو په څېر د نړۍ هیوادونه ته د کوچنیانو د حقونو د ساتنې او پاملرنې توصیه کوي او پدې لړ کې ورڅخه د وضع شوو مقرراتو د پیروۍ غوښتنه کوي. او په همدې منظور د ملګرو ملتونو په سازمان کې د عمومي اسامبلۍ د فرعي ارکانو څخه یو هم یونیسف دی چې هغه هم د ملګرو ملتونو د عمومي اسامبلۍ د انحصاری واکونو له مخې د فرعي ارکانو د رامینځته کولو په لړ کې د یو فرعي رکن په توګه فعالیت کوي او د خپلو فعالیتونو په لړ کې د کوچنیانو لپاره لازمې مرستې ترسره کوي او پدې لړ کې بیلا بیل پروګرامونه لري.

خو د اسلام سپیڅلی دین چې د ژوندانه د هر اړخیز نظام په توګه د ادیانو د لړۍ آخرنۍ کړۍ ده او د خپلې بلې ځانګړتیا ((عمومیت)) پر بنیاد د نړۍ ټولو پرګنو لپاره او د قیامت تر ورځې پورې راتلونکو ټولو بشري ټولنو لپاره جامع او هر اړخیزې لارښوونې لري، د خپلو دغو ځانګړتیاوو پر بنیاد مکلف وګړي د نا مکلفو وګړو له مینځه ددغې طبقې د حقونو پاملرنې او په نظر کې نیولو ته ډیر زیات هڅولي دي. هغه څه چې د ملګرو ملتونو سازمان په چوکاټ کې د کوچنیانو د حقونو د ساتنې او پاملرنې په منظور وضع شوي دي ، ډیر کم دي د هغو حقونوو په پرتله چې اسلام د کوچنیانو لپاره په نظر کې په خپلو آبدي لارښوونو کې په نظر کې نیولي دي.

که چیرې مونږ قرآنې آیتونو او نبوي احادیثو ته یوه ځغلنده کتنه وکړو نو راته به جوته شي چې له یوې خوا په اسلام کې د کوچنیانو حیثیت او د هغوی حقونه په ګوته شوې دي او پدې لړ کې ګڼې الهی لارښوونې او نبوي ارشادات راغلي دي:

د مثال په توګه د البلد په سورت کې په آغاز کې په مکه مکرمه او بیا یې ترڅنګه په پلار او څوې باندې د الله جل جلاله سوګند یادول د کوچنیانو او پلار دواړو د ارزښت او مقام په نظر کې راوستلو ته انسانان هڅوي: ځکه الهی سوګند چې په کوم شی ترسره کیږي د مقسم به او سوګند پرې خوړل شوي شي عظمت په ګوته کوي او یا دا چې په نبوی حدیث کې کوچنیانو ته د جنت د مارغانو نوم ورکول دا هم د کوچنیانو لورې ته د نظر راګرځیدلو پیغام له ځانه سره لري، چې د هغې څرګند ثبوت په نبوي ژوند کې وینو؛ چې کله یوه ورځ رسول الله صلی الله علیه وسلم حسن رضی الله عنه ښکلوي او ورسره ناست یو صحابي ((اقرع بن حابس)) یې په کړنه حیرانتیا څرګندوي او ورته وایې چې زما خو لس اولادونه دي مګر ما کله یو هم ندی ښکلي کړی نو رسول الله صلی الله علیه وسلم یې په خبره یو څه سکوت (چوپتیا) غوره کوي او بیا ورته وایې چې چا ترحم (مهرباني) ونکړه په هغه هم مهرباني نه کیږي؛ یعنی د بل هر چا د مهربانۍ او لطوفت لاندې هم نه واقع کیږي.

دې ته ورته ډیر آیتونه او احادیث شته دی چې کوچنیان لرل پکې یو ستر الهی نعمت او پیرزوینه ګرځولی شوی ده، لکه د مثال په توګه: د الفرقان سورت په (۲۵) او د الکهف سورت په (۱۸) آیتونو کې چې دا حقیقت داسې په ډاګه شوی چې: ای څښتن تعالی! مونږ ته زمونږ له جوړې څخه پر څوې راکولو پیرزوینه او مهرباني وکړه چې زمونږ د سترګو د روښانتیا لامل وي (الفرقان)

او په الکهف سورت کې مالونه او اولادونه بیا د ژوندانه او دنیا زینت ګرځولی شویدی. یا د مثال په توګه په احادیثو کې راغلي چې: غوره او ښه څوې د جنت له بوې لرونکو بوټو یا وښو څخه دی او په بل حدیث کې د هغه چا لپاره د جنت زیری ورکول شوی دی چې دوه یا له دوه وو څخه زیاتې لورګانې لویې کړي. داسې نور په لسګونو او ان تر سلو زیات احادیث شته چې د اولادونو ارزښت او د الهی پیرزوینې په توګه د هغې یادونه کوي چې په مجموعي توګه له یوې خوا د کوچنیانو سره د محبت او مینې لورې ته هڅونه کوي او له بلې خوا یې ارزښت او مقام په ګوته کوي. او ځینې نور آیتونه او احادیث بیا د کوچنیانو د ژوند ساتنې د وجوب حکم له ځانه سره لري او د پلار او مور دنده او مسوولیت یې د ژوند د بقاء، رشد او روزنې په هکله بیانوي؛ د حضانت په موده کې تر دوه یا دوه نیمو کلونو پورې د رضاعت حکم چې قرآن کریم په صراحت سره کړی، د کوچنیانو د روغتیا او د ژوندانه د بقاء لپاره یې هغه زرینه لارښوونه ده چې نور وضعي قوانین یې اهمیت نه پیژني او له همدې څخه په اجتهاد کولو سره د اولادتونو ترمینځه د مناسبې فاصلې او واټن شتون چې د نسل د تنظیم په ډګر کې راغلی حکم دی، د اسلامي شریعت هغه ځانګرتیاوې دي چې ننی طب یې هم غوښتنه کوي؛ ځکه د مور شیدې دي چې د کوچنیانو د سالم صحت او روغتیا په لړ کې آغیزمن رول لوبوي او د تغذیې په ډګر کې پیاوړي او پوره غذا ده چې د کوچنیانو د بدني او فکري روزنې په ډګر کې هم مهم لامل دی.

همدارنګه که مونږ قرآني او نبوي لارښوونو ته ځیر شو نو وبه وینو چې ډیر زیات قرآنی آیات او نبوي احادیث پدې لړ کې په همدې یوې خبرې ټینګار کوي چې هغه عبارت ده؛ د کوچنیانو ژون، روغتیا، روزنی او ښوونې ته د ټولنو له پاملرنې څخه.

نو ځکه اړینه ده چې مونږ هم باید د مسلمانانو په توګه دغو ارشاداتو ته ځیر شو او پدې ډګر کې هر الهی حکم او نبوي سپارښتنه د زړه له کومې ومنو او پدې لړ کې له بې تفاوتیو او سرغړونو څخه ځانونه وساتو؛ ځکه چې ځمونږ راتلونکې د نن د کوچنیانو او د سبا ورځې د ځوانانو پورې تړلې ده. او هغه څوك چې یوازې نن وینې او د سبا ورځې د ښه والي په فکر کې نه اوسي د نا پوهه انسان نوم لري؛ که چیرې مونږ خپل اوسني کوچنیان ونه روزو او د بدن، ذهن او عقل د پیاوړتیا په فکر کې یې نشو، سبا به زمونږ ګټلې ویاړونه په نورو خرڅوي او راته به بدې دعاګاني هم کوي.

د فکري استعمار پدې حساس پیر او پړاوو کې د مسلمانانو او متعهدو وګړو دنده جوړیږي چې نه یوازې دا چې د خپل اولاد د سالمې ښوونې، روزنې او روغتیا پالنې په فکر کې اوسي؛ بلکې د خپلو ګاونډیانو په فکر کې هم اوسي؛ ځکه که د سبا ورځې چاپیریال ددې جوګه نشي چې روزل شوي اولادونه پکې په آرام زړه او ډاډمنه فضاء کې ژوند وکړي نو بیا هم زمونږ د اولادونو راتلونکې د ګواښ سره مخ ده. نو اړینه ده چې د کوچنې د زیږدې څخه نیولې تر بلوغ پورې ټول هغه مسوولیتونه ترسره کړو چې اسلامي لارښوونې یې غوښتنه کوي؛ په خپلو کوچنیانو باندې د ښو نومونو له کیښودلو څخه نیولې، د حضانت، رضاعت، روغتیا ساتنې، ښوونې او روزنې په ټولو پړاوونو کې پاملرنه د سبا ورځې د ښه والي او ښې راتلونکې ضمانت کوي.

به مناسبت روز جهانی کودک

قسمت های از شعر مهدی سهیلی به پسرش

سهیل ای کودک دُردانهٔ من!
چراغ تابناک خانه من!
بگو بابا چطور حال سرکار؟
صفا آورده ای، مشتاق دیدار!
سهیلم! منتی بر ما نهادی
که پا بر دیدهٔ بابا نهادی
بتو گفتم: در اینجا پای مگذار
عنان مرکب خود را نگه دار
در این سامان بغیر ازشورو شر نیست
شرافت جز به دست سیم و زر نیست
شرف، هرگز خریداری ندارد
درستی، هیچ بازاری ندارد
همه دام و دد یک سر دو گوشند
همه گندم نما و جو فروشند
((عبادت)) جای خود را بر ((ریا)) داد
صفا و سادگی هم از مد افتاد!
جوانمردان، تهی دست و تهی پای
لئیمان را بساط عیش، بر جای
نصیحت ها، ترا بسیار کردم
مواعظ را بسی تکرار کردم
که اینجا پا منه کارت خراب است
مبین دریای دنیا را... سراب است
ولی حرف پدر را ناشنیدی
ز حوران بهشتی پا کشیدی
قدم را از عدم این سو نهادی
به گند آباد دنیا رو نهادی
بکیش من بسی بیداد کردی
که عزم این ((خراب آباد)) کردی
دگر اکنون روا نبود ملامت
مبارک مقدمت جانت سلامت
تو هم مانند ما مامور بودی
در این آمد شدن معذور بودی
کنون دارم نصیحت های چندی
بیا بشنو ز ((بابا)) چند پندی
نخستین، آنکه با یاد خدا باش
ز راه دشمنان حق جدا باش
ولی راه خدا تنها زبان نیست
در این راه از ریا کاران نشان نیست
((خداگو)) با ((خداجو)) فرق دارد
حقیقت با هیاهو فرق دارد
مرو هرگز ره ناپاک مردان
ز ناپاکان همیشه رو بگردان
اگر چه عیب باشد راستگویی!
ولی خواهم جز این، راهی نپویی
اگر چه دزد، کارش رو به راه است
ولی دزدی به کیش من گناه است
اگر دستت تهی شد، دل قوی دار
براه رشوه خواران پای مگذار
سهیلم ، هوش خود را تیز تر کن
ز ابلیسان آدم رو حذر کن
تو با ما بعد از این ها خوبتر باش
روان مادر و جان پدر باش
بود چشم امید ما بدستت
من و مادر، فدای چشم مستت

اعتصاب دانشجویی دانشگاه کابل انگیزه ها و پیامدها

□نذرالله عنایت

نزدیک به دوهفته است که دانشگاه کابل شاهد تظاهرات و اعتصاب غذایی دانشجویان این داشگاه بود. اعتراض ها با اعتصاب غذایی دانشجویان دانشکدهٔ علوم اجتماعی دوهفته پیش زمانی آغاز گردید که برخی از دانشجویان خواهان برکناری رئیس ویکتن از استادان این دانشکده شدند. معترضان گفته اند که بی عدالتی سوء مدیریت و بدفتاری از مواردی اندکه سال هاست این کانون علمی را بیداد می کند.



پس از آن که اعتصاب دانشجویان به روز هشتم رسید یک هیئت دولتی مرکب از وزیر تحصیلات عالی، رئیس شورای امنیت ملی، مشاور رئیس جمهور به محل اعتصاب رفتند و به دانشجویان معترض وعده دادند تا تمام خواسته های آنان را عملی نمایند. نعمت الله شهرانی، مشاور رئیس جمهوری افغانستان اعلام کرد: همه خواست های دانشجویان پذیرفته شده و دانشجویان باید به اعتصاب خود پایان دهند. در پی این وعده ها دانشجویان معترض به اعتصاب خود پایان دادند. هرچند این تصمیم با استقبال گرم اعتصاب کنندگان مواجه شد، اما یک روز بعد از تصمیم، حامیان رئیس و استاد دانشکده علوم اجتماعی با راه پیمایی از دانشگاه کابل تا پارلمان، نسبت به این تصمیم اعتراض کردند.

رئیس دانشکده آقای غلام فاروق عبدالله و حامیان او گفته اند که اعتصاب دانشجویان بیشتر با انگیزهٔ قومی وسیاسی وارد اعتراض شده و از این طریق می خواهند امتیاز بیشتر بگیرند. آقای عبدالله تمام ادعاها را بی بنیاد می خواند و می گوید که اعتراض کنندگان خواهان آن هستند تا درکادر علمی دانشکده جابجا شوند.

در عین حال طرفداران رئیس دانشکده در سخنرانی های اعتراضی شان گفته اند که اعتصاب کنندگان می خواهند به جایی تدریس مضمون ثقافت اسلامی فقه جعفری و یا کدام قرائت دیگری که آخری آن در تضاد به اصولی اسلامی است جایگزین آموزه های دینی گردد.

روی هم رفته پوهنتون کابل همواره محل برخورد و تلاقی اندیشه ها و تضاد هایی طبیعی استادان و دانشجویان بوده است. دشواری ها ازآن جا آغاز می گردد که خواسته های انسانی و مدنی مخالفان و موافقان رنگ و بوی قوم، مذهب و بدتر از همه سیاست را بگیرد. سیاستی که متأسفه درکشور ما ریشه در مسایل مذهبی، سمتی و قومی دارد.

هرگاه اعتصاب دانشجویان به دور از دغدغه های سیاسی و قومی باشد، عملی است به جا و شهروند محور. و اما اگر آنگونه که ادعاشده است آبشخور آن در شاخص های ذکر شده باشد، پیامدی جز رسوایی و ماجرا جویی چیزی دیگری را در پی ندارد.

در عین حال باید تذکر گردد که دانشگاه کابل و سایر دانشگاه هایی کشور از معیار هایی درست علمی و تدریسی بر خوردار نیستند.

در سطوح مختلف رابطه ها به جایی اینکه بر بنیاد اصول و طرزالعمل هایی علمی و معیاری استوار باشد، بیشتر فرد محور وسلیقه یی صورت می گیرد. شش سال پیش زمانی که دانشجو بودم، بی عدالتی و کم سوادی و سوء مدیریت را در دانشگاه کابل از نزدیک لمس کرده بودم.

انتظار می رفت که با گذشت زمان اوضاع تغییر یابد، اما موج اعتراض ها نشان می دهد که هیچ تغییری کمی و کیفی تا هنوز در دانشگاه کابل به وجود نیامده است. همین دگم اندیشی ها سبب می گردد، تا دانشجویان دست به اعتراض بزنند و برای تغییر در وضعیت چاره جویی از راه های مدنی نمایند.

چرا طالبان به دفتر سازمان ملل ...

اما از جانب دیگر سازمان ملل متحد هم همه ساله در گزارش خویش در مورد تلفات افراد غیرنظامی، طالبان را مسوول بیشترین کشتار ها دانسته است. در مقابل طالبان سازمان ملل متحد را متهم می کنند که در تهیهٔ این گزارش ها، جانب بی طرفی را رعایت نمی کند و گزارش خود را بر بنیاد گزارشات ناتو ترتیب می دهند. اما این گزارشات ضد طالبان هرگز موجب نشد تا این گروه موسسات سازمان ملل متحد در افغانستان را تهدید نمایند. بخصوص در بخش کمک های انسانی و کمک به تحقیق در مورد کشتار غیرنظامیان، آنها آماده گی خود را به همکاری با سازمان ملل ابراز نموده بودند.

اکنون این سوال مطرح است که طالبان با حمله به دفتر آی او ام و بعد از آن بدفتر صلیب سرخ در جلال آباد، چه دست آوردی داشتند؟ داشتن دست آورد از نظر نظامی یا سیاسی در این حمله ها کاملا منتفی است زیرا صدمه ای بزرگ بر نیروهای امنیتی وارد نیامد و از نظر سیاسی نیز حملهٔ کابل به دفتر آی او ام در شورای امنیت سازمان ملل متحد تقبیح گردید. یگانه دست آورد می تواند این باشد که طالبان توانستند توان خود به رخنه در حصار امنیتی پایتخت را یکبار دیگر نشان دهند که یک عمل نمادین است و به معنی ضعف ارگان های امنیتی کشور می باشد اما سوال اینست که نشان دادن چنین ضعفی که در گذشته هم بی سابقه نبود، ارزش ضرری را که این حمله متوجه طالبان ساخت، داشت؟

ابعاد منفی حمله به دفاتر سازمان ملل متحد برای طالبان بسیار بیشتر از دست آوردی صرفا نمادین بود و این خود نشان می دهد که کسانی که این حمله ها را سازمان دادند، هدف شان تخریب نقش آیندهٔ سازمان ملل متحد در پروسهٔ صلح افغانستان بود. اینکه طالبان توانسته بودند مقادیر زیادی سلاح ومهمات را هم در محل عملیات در کابل جابجا سازند، کاری نیست که از افراد عادی ساخته باشد و کارشناسان امنیتی نیز همین سوال را مطرح کردند. بنابراین حضور عناصری که به دوام جنگ در افغانستان علاقمند اند، در داخل حکومت افغانستان هم قابل دقت است.

مشخص است که دست های قدرتمندی در جهت دوام جنگ در افغانستان قرار دارند که نقشه های چنین دقیق را طرح می نمایند. اما طالبان نیز فقط شادمان از این اند که با عملیاتی درقلب کابل یا جلال آباد، و در پنجشیر مرکز مقاومت، ضعف حکومت و قدرت رزمی و نفوذ خود را به نمایش می گذارند اما غافل از اینکه هیچ نیروی هرچند قدرتمند نظامی، بدور از درک دقیق از وضع سیاسی قادر نیست تا اعتماد ملت را جلب نماید. این عمل طالبان در ذهن بسیاری این باور را تقویت می کند که طالبان فاقد برنامهٔ سیاسی بوده درصدد رسیدن به قدرت از راه زور اند درحالی که حقیقت اینست که حتی در شرایط خروج نیروهای خارجی از افغانستان نیز دیگر انحصار قدرت از راه زور و جبر در این کشور ممکن نیست.

به یاد گفته های جنرال داوود شهید

هفتم جوزا سالروز شهادت جنرال داوود داوود فرزند برومند این سرزمین است. روزی که ستارهٔ کوچید و به جاویدگان پیوست. به مناسبت این حادثهٔ المناک و از دست آوردهای آن ابر مرد بزرگ، مصاحبهٔ را که نذرالله عنایت به تاریخ ۱۶میزان سال ۱۳۸۸با موصوف – در آن زمان به صفت معین مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله کار می کرد – انجام داده بود و در شمارهٔ (۲۷) هفته نامهٔ مجاهد در همان سال نشر شده بود، اینک به یاد سالروز شهادت این ابر مرد مجاهد،بخش های مربوط به امنیت و مواد مخدر این گفت و شنود را به نشر می رسانیم. "اداره"

از یک سال بدین سو اوضاع امنیتی در کشور خوب نیست. زمانی شمال کشور از امنیت کامل برخوردار بود، اما در یک سال اخیر اوضاع آشفته به نظر می رسد، از این که تجربه کاری در شمال کشور دارید برای اعادهٔ ثبات در شمال چه را هکارهایی باید عملی گردد؟

برداشت من این است که هم دولت افغانستان و هم جامعهٔ جهانی یک اشتباه تاریخی را در قبال مجاهدین افغانستان انجام داده اند که امروز ما زجر آن را می کشیم و آن اشتباه اینکه مجاهدین را از صحنه حذف کردند، پیش از این که یک نیروی دیگری را به نام اردوی ملی یا پلیس ملی به میان بیاریم تا خالی گاه را پرکند تصمیم گرفتند مجاهدین و نیروهای حوزه مخالف تروریسم را خلع سلاح کردند. درحال حاضر من می خواهم بسیار با صراحت بگویم، اگر ما می خواهیم در مقابل تروریستان دفاع کنیم و اگر می خواهیم امنیت را تأمین بکنیم، باید از تجارب جنگی مجاهدین که در دورهٔ مقاومت با تروریستان داشتند، استفاده کنیم و آنها را به صحنه بیاوریم. اما نباید فراموش کرد که این کار درکودتا مدت خوب است، برای دراز مدت اردوی ملی و پولیس ملی قوی مسلکی ایجاد شود تا ثبات و امنیت را سرتاسری بسازید.

باور من این است که با وضعیتی که ما اکنون داریم، درکوتاه مدت نمی توانیم پاسخگویی نیازمندی های امنیتی کشور بوده با شیم. با کمیتی که برای پولیس و اردو درنظر گرفته شده است، امکان تأمین صد درصد امنیت نمی رود و نیاز است از نیروهای با تجربه که فعلاً خانه نشین هستند استفاده شود.

و نیروهای که ۲۸سال در برابر تروریسیم جنگیدند و به طور طبیعی با تروریسیم دشمنی دارند می توانند در برابر آنها خوب مقاومت کنند.

شما می بینید که در این روزها دو فرماندهٔ خوبی مجاهدین سابق را در قندوز را طالبان به شهادت رساندند، جرم شان جز مجاهدین بودن و دفاع ازکشور در دورهٔ مقاومت چیزی دیگری نبود. در صورتی که از این ها استفاده می شد برای تأمین امنیت هم می توانستند خودشان در امن باشند و هم از حریم وطن دفاع کنند.

از دستآورد های تان درعرصهٔ مواد مخدر بگویید؟

سر اصل مطلب تازه وارد شدید (خنده) خوشبخانه دولت افغانستان یگانه موردی که دست آورد خوب دارد بخش مواد مخدر است و دراین عرصه درچند بخش ما دست آورد چشمگیر داریم.

درکشت کوکنار و انواع مواد مخدر امسال نسبت به سال گذشته چهل درصد در سراسر کشور کاهش به عمل آمده است. تمام ولایت آرام و امن عاری ازکشت کوکنار شده است، تنها در جنوب افغانستان که ولایات نا آرام اند فیصدی کشت نسبت به گذشته ها کم شده است. در ولایات بدخشان و ننگرهار که کوکنار کشت می شد امروز یک بته هم کشت نمی شود.

در قسمت جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به صدها باند قاچاق چی مواد مخدر دستگیر شدند، درسال گذشته ۴۴۰ تن و درسال جاری بیش از ۵۰۰ تن مواد مخدر ضبط شده است.

کسانی که می خواستند از موقف دولتی سوء استفاده کنند، مانند برادر نمایندهٔ رئیس جمهور (مسؤول مبارزات انتخاباتی وی) درشمال شرق، موصوف را ما دستگیر نموده به داگاه ویژه سپردیم. همین طور ده ها کارخانه تولید مواد مخدر را در سراسر کشور از بین بردیم.

دست آورد کلان ما این است که برای مردم افغانستان آگاهی دادیم، امروز بر اساس سروی های که ما داریم نود و نه در صد مردم افغانستان از درد و رنج، بی آبروی که از نا حیهٔ مواد مخدر متوجه آنها می شد آگاهی کامل حاصل نمودند.

مهمترین چالش ها در راه مبارزه بامواد چیست؟

عمده ترین چالش ما نبود یک سیتم عدلی قضایی فعال و شفاف، نبود امنیت سراسری و برخی از چالش های دیگر.

در برخی از کشورهای اسلامی از دین...

از تاریخ با شکوه برخودار است. بنابراین برای موفقیت در تلاش هایمان، به این موضوعات اساسی که یادآوری گردید توجه جدی نیاز است. اگر ما بعنوان یک امت اسلامی متحد شویم و آموزه های واقعی اسلامی را تعقیب نماییم، بدون شک بر این مشکلات فایق می آییم. جوامع اسلامی بدون شک از توانایی و ظرفیت بدست آوردن دوبارهٔ شکوه و جلال شان از طریق اعتقاد مستحکم و مبارزه ثابت و عزم راسخ، برخوردار اند. باید اطمینان داشت که با ایجاد نظام عدالت محور خواهیم توانست امت اسلامی را از مشکلات فعلی نجات بدهیم.

حضار گرامی،

در اخیرِ می خواهم با استفاده از این فرصت نگاهی مختصری به وضعیت کنونی افغانستان داشته باشم. ملت رنج دیدهٔ افغانستان بعد از چهار دهه جنگ، نا امنی و نابسامانی ها، به همکاری شما به صلح پایدار نیازمند اند. ما در سال های گذشته شهروندان، علمای دینی و رهبران بزرگی را در جریان این سال ها از دست دادیم. بنا برآن توجه به مسئلهٔ تامین صلح و ثبات در افغانستان یکی از اولویت های مهم امت اسلامی می باشد.

زمانی که نیروهای خارجی در سال آینده از کشور خارج می شوند، بهانهٔ برای ادامهٔ خشونت وجود نداشته، و انتظار گرویدن به صلح بیشتر می شود. حالا زمانی آن رسیده که برادران ما در جهان اسلام فعالانه برای بر قراری صلح و ثبات در افغانستان ما را همکاری نمایند. آوردن صلح و ثبات و کمک به افغانستان جهت تامین صلح پایدار نیازمند همکاری خالصانه و مصمم بودن برادران مسلمان مان در جهان اسلام می باشد.

بناءً احترامانه از شما بزرگان می خواهم تا دست بدست هم داده برای آوردن صلح و ثبات در افغانستان ما را یاری نمایید. من باور دارم، اگر ما دست بدست هم بدهیم، و صادقانه برای صلح کار کنیم، می توانیم در این عضو جامعهٔ اسلامی (افغانستان) صلح و ثبات دایمی را تامین نماییم.

از توجهٔ شما اظهار سپاس و تشکر نموده موفقیت این گردهمایی را خواهانم.

نگرانی کشورهای عضو "سازمان پیمان...

از جانب افغانستان صحبت کردند. به گفتهٔ نیکولای بوردیوژه منشی عمومی سازمان امنیت دسته جمعی، رؤسای جمهور در مورد اقداماتِ به هدف کاهش تهدید های امنیتی بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴ بحث کردند. که چگونه می توان امنیت را در سرحدات کشورها بهبود بخشید. به گفتهٔ وی: "در مورد اقداماتِ صحبت کردیم که اگر وضعیت بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان خراب شود، چگونه می توانیم پیامد های منفی آن را کاهش بدهیم. تصامیم محکم را اتخاذ کردیم به شمول این که چطور می توانیم بخش نظامی را بهبود بخشیم و اقدامات را به هدف همکاری با حکومت افغانستان روی دست بگیریم که بتواند ثبات دولت را تضمین کند."

در این نشست روی عصری سازی نیروهای واکنش سریع سازمان امنیت دسته جمعی، تلاش های جمعی برای از بین بردن بنیادگرایی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر بحث شده است.

پوتین رئیس جمهور روسیه گفته است که، تلاش دسته جمعی جمهوریت های شوروی سابق نقش چشمگیر را در تضمین ثبات در منطقه بازی کرده است. پوتین گفته است: "سازمان ما نقش قابل ملاحظهٔ را در تضمین ثبات در حوزهٔ مسؤولیتش بازی می کند. این هدف ساختارهای سیاسی و نظامی سازمان امنیت دسته جمعی است، عمدتاً هدف نیروهای واکنش سریع دسته جمعی و قوای حافظ صلح آن."

چهار رئیس جمهور همچنین در مورد یک پیشنهاد برای ساختن یک خط آهن بحث کردند که روسیه، قزاقستان، قرغزستان و تاجیکستان را به هم پیوند می دهد. این خط آهن به افغانستان، ترکمنستان، ایران و خلیج فارس هم امتداد می یابد."سازمان پیمان امنیت دسته جمعی" در ماه می ۱۹۹۲ میلادی تأسیس و از کشورهای ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان تشکیل شده است.

جنگ سوریه
به سوی ابهام به پیش می رود

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل



از جنگ داخلی سوریه، بیش از دو سال می، گذرد که نتیجهٔ آن تخریب زیر ساخت ها، اماکن مهم علمی، فرهنگی و تمدنی این سر زمین است. این جنگ بیش از هشتاد هزار انسان را به کام مرگ برده است، میزان مهاجرت ها بالاتر از میلیون را می رساند و به همین تناسب مهاجران داخلی از مصیبت های این سر زمین است.

این جنگ نه تنها دشواری های منطقه یی داشته است؛ بلکه یک تشنج بزرگ بین المللی را به وجود آورده است و این تنشج در حال گسترش میان شرق اروپا، آسیا، کشور های خاور میانه و غیره می باشد. جامعهٔ جهانی به شمول ناتو و کشورهای منطقه تا هنوز در خصوص مشکل سوریه به نتیجه نه رسیده اند. امریکا و متحدان آن از سوریه یی پس از اسد نگران اند، فرانسه و انگلیس حاضر نیستند تا به مخالفان سوریه سلاح ثقیل و سنگین تحویل بدهند زیرا از آن بیم دارند که این سلاح ها در اختیار گروه های افراطی و القاعده قرار نگیرد.

امریکا و اسرائیل نیز از افراط گرایی در خاورمیانه هراس دارند. تمام طرح های جامعهٔ عرب در خصوص مشکل سوریه ناکام بوده است. آخرین طرح در مورد سوریه، طرح گفتمان سیاسی است و برای این کشور یک حکومت انتقالی را پیشنهاد می نماید. این طرح نیز به ناکامی انجامیده است زیرا حکومت بشار اسد و مخالفان این حکومت حاضر به قبول شروط یکدیگر نیستند. مخالفان اسد هیچ گاه حاضر نیستند در موجودیت اسد به مذاکره حاضر گردند. روی این مشکل پلان حکومت انتقالی تا کنون به نتیجه نرسیده است. جنگ در این کشور به شدت جریان دارد و بشار اسد از یک گارد آب دیده و منضبط برخوردار می باشد و قوای هوایی بزرگ را در اختیار دارد و همه روزه از این قوت های هوایی مواضع مخالفان خویش را بمباردمان می نماید. شایعهٔ استفاده از سلاح کیمیاوی در هر دو خط جبهه آوازه گردیده است و کشورهای اروپایی و امریکایی، به شمول حقوق بشر پیرامون این مساله به تحقیق پرداخته اند و حقوق بشر جهانی از حکومت بشار خواسته است تا گروه بازرسان را اجازه دهند، تا پیرامون این موضوع تحقیق نمایند.

تعدادی حکومت اسد و عده یی مخالفان را به این کار متهم می سازند. در این روزها بحث نشست جهانی پیرامون آینده یی سوریه از سوی امریکا مطرح گردیده است و بشار اسد علاقه یی چندانی به این نشست نشان نداد و اصرار ورزید تا سال آینده در قدرت باقی خواهد ماند و به سوی یک انتخابات خواهد رفت.

سوریه در این جنگ خود را بر حق می شمارد و جنگ خود را با القاعده و تروریست عنوان می کند. در این جنگ بدون شک علوی ها، ایرانی ها و حزب الله لبنان حکومت بشار اسد را عملاً تقویه می نمایند و سندی بدست آمده است که حزب الله لبنان در کنار سربازان سوری می جنگند. امریکا و متحدان آن در مورد آیندهٔ سوریه نگران اند و حاضر نیستند مخالفان نظام سوریه را تجهیز و تقویه کنند.

جنگ داخلی در سوریه به مرحلهٔ بسیار حساس و تاریخی خود رسیده است؛ زیرا بارها هواپیما های اسرائیل مراکز سلاح و ذخیرهٔ مهمات را به بهانه یی اینکه در اختیار حزب الله لبنان قرار نگیرد، مورد هجوم قرار داده است که موجبات عکس العمل شدید را در میان حکومت سوریه، حزب الله لبنان، ترکیه و روسیه در پی داشته است. از سوی دیگر پوتین رئیس جمهور روسیه به امریکا و متحدان آن هشدار داد که اوضاع سوریه را بدتر نسازید.

تا هنوز طرف هایی که می خواهند مشکل سوریه از راه گفتگو حل و فصل گردد، به نتیجه یی نرسیده است؛ زیرا شروط مخالفان برای اسد قابل قبول نیست و مخالفان سوریه اصرار دارند که در حکومت انتقالی اسد نقش نداشته باشد و صلاحیت بیشتر به حکومت انتقالی داده شود؛ چیزی که مورد قبول اسد نمی باشد. در جنگ داخلی سوریه، دشواری های جدیدی همه روزه به وجود می آید. تعدادی از جنگ جویان کشورهای مختلف، از جمله کشور های اروپایی در جبهه یی مخالفان دولت پیوسته اند، که این کار نگرانی هایی را برای امریکا و متحدان آن به وجود آورده است؛ زیرا بیش از اسد، القاعده و افراط گرایی دشمن امریکا و غرب است.

امروز امریکا و متحدان آن از بهار عرب خشنود به نظر نمی رسند. بیم از آن دارند که جای حکومت های گذشته را مخالفان امریکا و غرب پر نکنند و مشکل حکومتی پس از اسد، یکی از این دشواری ها خواهد بود. غرب و امریکا در مورد مخالفان سوریه به یک توافق نرسیده اند و در حکومت پس از اسد نگران اند که چه گونه حکومت خواهد بود. آیا این حکومت با امریکا و غرب تفاهم خواهد داشت؟ جواب این سوال تا حدی موقف امریکا و غرب را روشن می سازد. به گفته شاعر:

صنما با غم عشق تو چه تدبیر کنم
من نه آنم که دیگرگوش به تزویر کنم

تداوم جنگ در سوریه یک مقدار بر می گردد به پراگنده گی و بی برنامه گی ارتش آزاد سوریه و مخالفان این کشور. انتشار ویدیویی از جانب یک مخالف سوری که قلب یک سر باز سوری را می شکافد و آن را با دندان می گیرد برای غرب و آزادی خواهان جهان خیلی تکان دهنده می باشد. طوری که مخالفان سوریه انزجار خود را از این کار ابراز کردند و آن را خارج از اصول شریعت و سنت خواندند و تحقیق پیرامون این موضوع را وعده دادند. باید گفت که جنگ داخلی سوریه به بر خوردهای منطقه یی و بین المللی پس از جنگ های مثل جهاد مردم افغانستان با اتحاد شوری وقت می باشد.

وقتی جنگ در مارچ ۲۰۱۱ آغاز یافت، همه می گفتند که این جنگ بیش از یک ماه دوام نخواهد کرد؛ در حالی که امروز گفته می شود این جنگ ممکن تا دو سال دیگر دوام نماید. بی برنامه گی، و پراگنده گی مخالفان است در برابر بی رحم ترین رژیم استبدادی جهان قرار دارد. در شرایط کنونی جنگ در سوریه به بن بست رسیده است و هیچ کدام قادر به حذف طرف مقابل نمی باشند. کشور های منطقه، اتحادیه عرب، ناتو در خصوص مشکل سوریه به توافق نرسیده اند؛ زیرا حکومت آینده پس از اسد برای برخی از آنها به شمول امریکا، غرب و اسرائیل مبهم می باشد. تنش مذهبی در این جنگ دست بالا دارد که خیلی برای این کشور خطرناک می باشد. رقابت مذهبی شیعه در برابر سنی، ایران و کشورهای خلیج از یک طرف و تقابل روسیه، چین و ایران از حمایت رژیم اسد و حمایت امریکا، غرب و کشور های خلیج فارس به شمول کشور های بزرگ عربی مثل: مصر، سعودی و همسایهٔ پر قدر سوریه (ترکیه) از مخالفان اسد بر این بن بست افزوده است.

موقعیت استراتیژیک و منطقه یی سوریه بر تدوام این جنگ افزوده است. کشورهای مختلف جهان؛ به ویژه ایران، روسیه و دیگران در این کشور منافع حیاتی دارند، هر نوع تغییر قدرت در این کشور بر معادلات منطقه یی منجر خواهد شد. امروز سوریه یکی از بازیگران پر قدر خاورمیانه و شمال افریقا است. آنچه به حاکمیت و حیات حکومت اسد تدوام بخشیده، این است که این کشور از ایران در برابر سعودی استفاده می کند و گذشته از آن روسیه و چین دو عضو شورای امنیت را در برابر امریکا به خدمت گرفته است. بشار اسد از زیرک ترین سیاستمداران کشورهای خاور میانه است. او می خواهد جهان به ویژه غرب را متقاعد سازد که القاعده افراط گرایی نه تنها سوریه را از بین خواهد برد؛ بلکه به تدریج کل خاورمیانه را به تسلط خود در خواهد آورد. حکومت سوریه همواره از واژه های تروریست، اسلام گرایی، رادیکال و افراط گرایی را در کل به کار می برد. در بُعد داخلی اسد به اقلیت های مذهبی، مثل: شیعه، مسیحی، دروزی و غیره هشدار می دهد که در صورت تسلط افراط گرایان در این کشور، آنها از حیات شهروندی خود محروم خواهند گردید. از جانب دیگر اسد یک گارد منضبط، کار آزموده و مصمم را در اختیار دارد و قوای هوایی آن نیز قدرت بزرگ آتش را بالای مخالفان خود حفظ نموده است. در این روز ها اتحادیهٔ عرب که رهبری آن را قطر به عهده دارد پیرامون طرح امریکا و مسکو بحث می کند تا یک نشست جهانی به شمول مسکو و چین و ایران پیرامون آیندهٔ سوریه تصمیم بگیرند. همچنان فعالیت هایی در اردن تحت عنوان دوستان حمایت از مخالفان سوریه که در آن یازده کشور عضویت دارد آغاز گردیده است. به هر صورت آینده یی این کشور به سوی یک ابهام به پیش می رود و بازندهٔ این جنگ در سوریه، مردم آن سر زمین خواهد بود.

مروری بر حوادث امنیتی

○ فیض



۳جوزا:

- در حملهٔ پنج مهاجم انتحاری در دفتر سازمان مهاجرت دفاتر ملل متحد در کابل، ۱۴ تن به شمول ۵ اتباع خارجی زخمی شده اند و ۴ تن به شمول یک پولیس و دو تن از محافظین امنیتی و یک طفل شش ساله به شمول مهاجمان کشته شده اند.

٤جوزا:

- در اعلامیهٔ قوماندانی امنیهٔ کابل آمده است، حوالی صبح حمله کنندهٔ انتحاری زمانی که می خواست درساحهٔ شاه شهید مربوطات حوزه هشتم امنیتی پولیس در داخل منزلی که مهمان بوده است واسکت مملو از مواد منفجره اش را برتن کند و در شهر کابل حمله انتحاری انجام دهد قبل از رسیدن به هدف در داخل منزل، مواد انفجاری در واسکت منفجرگردیده که در این رویداد تنها خودش کشته شده است و به کسی دیگری آسیب نرسیده است.
- در بمباردمان هوایی نیروهای خارجی در ولسوالی گیلان غزنی، ۳۰ طالب مسلح کشته و بیش از ۱۷ طالب مجروح شده اند. به گفتهٔ علی محمد فرمانده قیام کنندگان مردمی در ولسوالی گیلان در تماس با رسانه ها، پس از حملهٔ طالبان به یک پایگاه پولیس محلی در منطقهٔ "سجامد" که منجر به کشته شدن سخیداد قوماندان محلی شد، قیام کنندگان به کمک آنها شتافتند که پس از مخابره این رویداد، چرخ بال های خارجی منطقه را زیر بمباران نمودند که تلفاتی را به طالبان به بار آورد.
- در دو رویداد جداگانه و برخورد میان نیروهای دولتی با مخالفان مسلح در ولسوالی های "پرچمن" و "بالابلوک" فراه، دست کم ۱۹ طالب کشته و ۲۵ تن دیگر شان زخمی شده اند.
- به نقل از خبرنامهٔ قول اردوی ۲۰۳ تندر در ولایت پکتیکا، دو زن و یک کودک در نتیجهٔ حملهٔ راکتی طالبان مسلح در ولایت پکتیکا کشته شدند.

۵جوزا:

- به گفتهٔ فرماندهٔ امنیهٔ چرخ به رسانه ها، افراد مسلح طالبان، ملا بشیر عضو شورای صلح ولایت لوگر را در ولسوالی چرخ ولایت لوگر در مسیر راه منزلش ترور کردند.
- به گفتهٔ جنرال محمد اسحاق تمکین، فرماندهٔ مرکز هماهنگی عملیاتی در بدخشان به رسانه ها، عملیات مشترک نیروهای افغان در ولسوالی وردوج، در قریه های برابرا و غنو آغاز شد. که در این درگیری، ۶ مخالف مسلح کشته و ۵ تن دیگر زخمی شدند و همچنین یک نفر از نیروهای امنیتی کشته و ۳ تن زخمی گردیدند.

٦جوزا:

- در نتیجهٔ حمله افراد مسلح ناشناس، در ساحهٔ پلان ۳ مربوطات حوزهٔ ۴ غزنی در مقابل شفاخانه نور، یک پولیس محلی ولسوالی ناوهٔ غزنی کشته و ۲ تن زخمی شدند.
- به گفتهٔ جنرال غلام سخی رستاقی قوماندان امنیهٔ ولسوالی بغلان مرکزی به رسانه ها، که خود نیز در این حادثه حضور داشته است، پنج موتر رنجر پولیس حامل مقامات قوماندانی امنیهٔ بغلان مرکزی، ولسوال و مسؤولین پولیس نظم عامه در ساحهٔ "چهارشنبه تپه" ولسوالی بغلان مرکزی با کمین طالبان رو برو شدند که در نتیجه سمونوال جمعه گل معاون وی، کشته شده است.
- در خبرنامهٔ ریاست عمومی امنیت ملی آمده است که، موظفین این اداره با استفاده از اطلاعات دست داشته و در همکاری نزدیک با مردم، طی عملیات های خاص اوپراتیفی در مربوطات شهر لشکرگاه ولایت هلمند دو عراده موتر سایکل مملو از مواد انفجاریه را کشف و خنثی نمودند. گروه های تروریستی تصمیم داشتند تا یک عراده موتر سایکل مملو از مواد انفجاریه را در کلپ ورزشی متصل به پارک ملالی را حین انجام مسابقهٔ فوتبال و موتر سایکل دومی را در داخل شهر لشکرگاه منفجر نمایند.
- یک حمله کنندهٔ انتحاری سوار بر موتر سایکل، در ولسوالی درزآب ولایت جوزجان، باعث جراحت "رحمت الله حشر" ولسوال درزآب شد که از کار ساخت یک مکتب در حال دیدن بود، در این حادثه ۳ تن دیگر شدند.
- ساختمان مرکز ولسوالی گلران ولایت هرات، از سوی مردم معترض به آتش کشیده شد. به گفتهٔ مقامات امنیتی در هرات، این رویداد پس از آن صورت گرفت که بر اثر حملهٔ ناگهانی طالبان، به شمول یک تن از متنفذان قومی در این ولسوالی، ۷ تن کشته و زخمی شدند. گفته می شود که مردم محل به ظن دست داشتن ولسوال گلران در این رویداد، موتر حامل وی و برخی از بخش های این ولسوالی را به آتش کشیدند.
- در اثر انفجار ماین کنار جاده ای که گفته شده هدف این انفجار موتر حامل امین رامین رئیس شرکت مخابراتی افغان بیسیم بوده، چهار تن از محافظین وی کشته و چهار تن دیگر زخمی شدند. این ماین که از راه دور کنترل می شده، ساعت یک بجهٔ شب ، در منطقه ماشین آب ولسوالی بگرام ولایت پروان منفجر شد.

۷جوزا:

- به گفتهٔ ولسوال ارغستان به رسانه ها، هفت پولیس یک پوستهٔ امنیتی ولسوالی ارغستان کندهار، توسط دو مهمان شان کشته شد. این حادثه، ساعت۱۱ شب گذشته در پوستهٔ امنیتی توری کاری این ولسوالی رخ داده است. قوماندان این پوسته که مسؤولیت امنیت شاهراه کندهار- ارغستان را به عهده دارد، دو مهمان را به پوستهٔ خود آورده بود، درجریان منازعه بین مهمانان و پولیس، مهمانان اسلحهٔ پولیس را به دست آورده و آنها را به گلوله بسته است که درنتیجهٔ آن هفت پولیس کشته شده و یک تن دیگر جراحت برداشته است. اسلحه و یک عراده موتر رینجر پولیس، نیز از سوی این دونفر برده شده است.
- به گفتهٔ ولسوال قوش تپه به رسانه ها، ملا خدای نور سر معلم یک مکتب در ولسوالی قوش تپهٔ ولایت جوزجان، که به حیث کارمند اجتماعی دفتر اکشن اید در بخش برنامهٔ همبستگی ملی نیز کار می کرد، در قریهٔ تاش کوتل از سوی طالبان سر بریده شده است.
- یک انتحار کننده توسط پولیس در ولایت نیمروز کشته شد و واسطه ریکشای مملو از مواد انفجاری با یک میل کلاشینکوف وی به دست پولیس افتاد.

۸جوزا:

- هفت تروریست، توسط دو عراده موتر سراچه از طرف دالان سنگ وارد ولایت پنجشیر شده، به ساختمان ولایت حمله نمودند. دو تن شان خود را انفجار دادند و متباقی عوامل انتحاری به سرعت توسط نیروهای امنیتی از پای درآمدند. تعمیر ولایت بکلی تخریب گردیده و یک پولیس در این رویداد کشته شده است. یک موتر سراچه که از عوامل انتحاری به جای مانده، مملو از مواد انفجاری است.
- در حملهٔ گروهی بالای دفتر صلیب سرخ بین المللی در شهر جلال آباد، پیتر رئیس دفتر ساحوی و ۶ تن مهاجمین کشته شدند. به گفتهٔ مسؤول مطبوعاتی قوماندانی امنیهٔ ننگرهار به رسانه ها، حوالی ساعت ۶ عصر یک انفجار در کوچهٔ ارزاق شهر جلال آباد به وقوع پیوست که بعداً درگیری آغاز شد. مهاجمین شش تن بودند، یک تن آنها خود را منفجرساخت و افراد دیگر داخل ساختمان شدند. و درگیر دو ساعت ادامه داشت.
-

په برما کې د مسلمانانو مخالف واکمن رژیم څخه د امریکا ملاتړ څه معنا لری؟

رفیق بحر

برما د جنوبي آسيا لـه هيوادونو څخه يو کم نفوسه هيواد دی چې پکې د بوداياتو لـه اکثريت سربيره د مسلمانانو لږکي هم اوسيږي چې د روهنـدي مسلمانانو پـه نامـه ياديږي. پدغـه هيواد کې ډيره موده پوځي رژيم حاکم وو چې پـه خپل ولس يې ډير ظلمونه کړيدي، تان آنگ سوچي چې د واکمن رژيم مخکښه سياسي مخالفه ده، هم ددغه ظالم رژيم لخوا ډيره موده پـه زندان کې وه. د نړيوالو گواښونو او فشارونو پـه نتيجه کې د نړدې دوه وو کلونو راپديخوا دغه رژيم ولسواکۍ تـه اشاره شنه کړيده: چې ددې سياسي مخالفې راخلاصيدل هم د همدې لړۍ يوه کړۍ ده او پـه روان کال کې يې ټاکنې ترسره کړې چې پکې ددغې ميرمنې گوند هم ځينې څوکۍ وگټلې.

خو د روان ميلادي کال لـه پيله پدې هيواد کې د مسلمانانو پـر خلاف ظلمونو نوې ناورين رامينځته کړيدی؛ د مارچ پـه مياشت کې هم پدغه هيواد کې بودايي برمايانو د مسلمانانو پر خلاف يرغلونه کړي وو او مسلمانان يې لـه خپلو کورونو څخه ويستي وو چې پکې زيات برمايي روهنـدي مسلمانان شهيدان شوي او ټپيان شوی وو. او لدې څخه د مخه يې هم د مسلمانانو کورونه او مسجدونه سوځول چې تر دا مهاله د څلورو سوو پـه شاوخوا کې برمايي مسلمانان ددغو ظلمونو وژل شوي دي، کورونه او جوماتونه يې سوځول شوي او د اتو زرو پـه شاوخوا کې نور لـه خپلو کورونو څخه شړل شوي او بې کوره شوي دي. چې هغه مهال د اسلامي نړۍ د ځينو مشرانو ټيوکو او پـه رسنيو کې ددغه موضوع را اوچتيدلو واکمن رژيم دې تـه اړ کړ چې د بودايي وگړو د يرغلونو او مسلمان وژنې مخه ونيسي خو د يوې اونۍ راهيسې يو ځل بيا دا موضوع هغه مهال را اوچته شوه چې کله يو مسلمان خپلې بودايي ښځې تـه (د خبرونو لـه مخې) اور واچولو او ورسره بودائيانو سملاسي د مسلمانانو پر خلاف يرغلونه، کورونه او مسجدونه سوځول پيل کړل چې اوسنۍ نا امنۍ د ((لاشو)) پـه ښار کې رامينځته شوي دي، چې يو جومات او د يتيمانو يوه مدرسه هم پکې سوځل شويده.

د بودائيانو لخوا د مسلمانانو پر خلاف دغه ډلـه ايز پاڅون پداسې وخت کې ترسره کيږي چې د برما د نوي صدراعظم د امريکا ولسمشر اوباما سره کتنه ترسره شوې او امريکايي مقاماتو د لومړي ځل لپاره د يو برمايي چارواکي داسې دروند استقبال کړی دی؛ ځکه برما د خپلو زړو پاليسو او ولسواکۍ ضد عمل او ديکتاتورۍ رژيم لرلو پر بنياد د لويديځي نړۍ او پـه ځانگړې توگه لـه امريکا سره ښې اړيکې نه درلودې مگر څه موده مخکې د امريکا د بهرنيو چارو د وزير لخوا لـه دغه هيواد څخه د کتنې پر مهال دغو اړيکو آغاز وموندە چې پـه خپلو سمبوليکي کړنو سره يې د نړيوالې ټولنې او پـه ځانگړې توگه د امريکا پاملرنه ځانته را اړولې ده.

خو اوس پوښتنه داده چې دا څنگه ولسواکي ده چې آنگ سوچي پکې د ټاکنو د حق آزادي لرلي شي خو مسلمانان پکې د اوسيدلو حق نلري: ځکه برمايي بودائيان وايې چې مسلمانان ددې خاورې اصلي اوسيدونکي ندي نو بايد ورڅخه ووځي او هم ورسره داسې قوانين وضع کيداي شي چې مسلمانان پدې خاوره کې له دوه وو څخه د زياتو بچيانو لرلو حق نلري.

امريکا چې پـه نړۍ کې تل د دموکراسۍ څخه د ملاتړ تيگه پـه سينه وهي او پر نړۍ باندې ديکتاتزې واکمنې پـه توگه ځانته د نړۍ د ملکۍ حق ورکوي؛ ولې د برما د روهنـدي مسلمانانو لـه وضعيته خان نـه خبروي؛ چې د مذهبي آزادۍ څخه نيولې ان ترډې چې د اوسيدنې حق ورڅخه هم لوټل کيږي او پـه هکله يې د نا برابرۍ داسې قانون وضع کيږي چې برمايي مسلمانان به له دوه وو څخه زياتو بچيانو لرلو حق نه لري؟



هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ دهم ۱۱جوزای ۱۳۹۲ ۲۲ رجب۱٤۳٤ - 1st June 2013

اسرائیلي لنډ غري او امریکایي مرګوني چوپتیا



◇ **شفیق**

د اسرائیلو غیر قانوني هیواد چې په رامینځته کیدو کې یې د اروپا په خاوره کې د ((پالل)) کنفرانس له دایرولو راهیسې د تاریخ زبر ځواکو هیوادونو؛ هر یو: پخواني شوروي اتحاد، فرانسې، انګلستان او په وروستیو کې امریکا په خپل نوبت سره د فلسطین د مسلمان ولس او په ټوله کې د اسلامي امت سر د تاریخي جفاء رول لوبولی دی، تر اوسه پورې د نړۍ د امنیت لپاره ستر ګواښ دی.

پخواني شوروي او یا دا مهال یې وارثه روسیه که هغه مهال ددغه هیواد په لنډ غرۍ پوه واې نو ښایې چې د نړۍ له ګوټ ګوټ څخه یې د یهودانو د راټولو او په فلسطین کې د میشولو شیطاني دنده نه وه ترسره کړې او نه ورسره ښایې فرانسې او انګلستان پدې لړ کې کمك کړې واې چې بیا وروسته انګلستان د اسلامي خلافت د ړنګولو دسیسه جوړه کړه او د طوراني او ترکې پرمختګ او قوم پرستۍ په بت سور ((مصطفی کمال اتاترك)) یې په شا وټپولو او د پالل کنفرانس لخوا د یهودي هیواد جوړولو اراده یې د مصطفی کمال اتاترك په واسطه لاهغه مهال ریښتیني کړه چې کله نوموړي په ۱۹۲۴ میلادي کال کې د مسلمانانو د یووالي رمز د عثماني خلافت مرکزیت په ترکیه کې ختم کړ او پدې توګه د اسرائیلو د تاریخي خوب تحقق ته لیار هواره شوه چې وریسې ځلړویشت کلونه وروسته په ۱۹۴۸ میلادي کې یهودانو عملاً فلسطین اشغال او پر ځاې خپل هیواد اعلان کړ او دغه زبر ځواکونو له ټولو څخه دمخه په رسمیت وپیژانده؛ چې د تاریخ پدې پیر کې یې امریکا د مدعي رول لوبوي او تر دا مهاله یې له لسو ځلو څخه زیات ځلې د ملګرو ملتونو په سازمان کې د امنیت شورا د دایمي غړي په توګه هره هغه پریکړه ویټو کړې چې د فلسطیني مسلمانانو حق پکې منل شوی دی.

او یوازې په روان کال کې د لومړي ځل لپاره د عمومي اسمبلۍ له لیارې فلسطینیانو ته د ناظر غړي حق ومنل شو خو ددې سره د اروپایي اتحادیې او ملګرو ملتونو ګڼو پریکړو کې دا هم منل شوې ده چې اسرائیلي هیواد به په هغو فلسطیني سیمو کې نوې آبادۍ نه کوي چې د ۱۹۶۷ م کال په یرغل کې یې نیولی دي؛ هغه مهال چې د مصر د سیناء سیمې په ګډون د اردن د جولان غرونه یې هم نیولي وو او هم یې د بیت المقدس ختیځه برخه نیولې وه چې یې پکې وخت په وخت نوې آبادۍ کړي او ښارګوټي یې پکې جوړ کړي دي، چې هر ځل د نړیوالې ټولنې لخوا د اسرائیلو دغه اقدام نا قانوني ګڼل شوی او د یهود باراك او شمعون پېریز دواړو په واکمنیو کې نوې نوې آبادۍ ترسره شوي دي؛ چې پدې وروستیو کې اوسني اسرائیلي دولت یو ځل بیا په هغو درې زرو کورونو مشتملو ښارګوټو باندې د کار پیلولو اعلان وکړ چې څو ځلې د ملګرو ملتونو او ان تردې چې د امریکا لخوا یې هم، د بندولو غوښتنه شوې وه خو د روان کال په دوران کې لومړی د ((اوباما)) لخوا اسرائیلي هیواد ته له سفر او بیا د ((جان کیري)) له سفر وروسته دغه هیواد بیا خپلې زړې لنډغرۍ او سر تمبګۍ ته لاس واچولو ؛ ځکه اوباما او جان کیري دواړو څو ځلې په خپلو څرګندونو کې له هغه نا قانونه هیواد څخه په ډاګه ملاتړ وکړ او د اسرائیلو د خاورې په لورې د نا معلومه توغول شوي کوم راکټ یا میزایل په ځواب کې یې د ((غزې)) او ((اریحا)) په ترانګو کې د بې وزله او مظلومو فلسطینیانو په کورونو د ړندو بمباریو کولو حق اسرائیلو ته ورکړ او د ((اوباما)) لخوا ورته د استراتیژیك دوست ویلو وروسته یې په سر کې بیا نوې نشه پیدا شوې ده چې د نړیوالې ټولنې د مخالفت سره سره هم په ډیره څغرده ترګه د نوو ښارګوټو د جوړولو کار په ګړندۍ سره غوارې ترسره کړي او امریکا یې په وړاندې (چې د نړۍ د ملکي او په نړیواله سطحه د دموکراسۍ د ارزښتونو د پلې کولو تیګه هم په سینه وهي) مرګوني چوپتیا غوره کړې ده او نه د ملګرو ملتونو سازمان له خپلو پریکړو څخه د ننګې جرات کوي چې د هغوی د وروستیو پریکړو له مخې هم اسرائیل د نوو آبادیو او ښارګوټو جوړولو حق نلري.

که چیرې د ملګرو ملتونو سازمان او امریکا پداسې شرایطو کې چپ پاتې شي، چې د سوریې په ستونزه کې یې هم غږ یوازې پاروونکې بڼه لري او د بشار الاسد د رژیم د مخالفینو په تکولو کې بیړۍ ویشتونکي روسي میزائیل تر سوریې رارسیږي او هم د حزب الله جنګیالي سوریې ته رسیږي او د دوې مرسته یوازې د خولې ادعاء اوسي؛ چې د بشار الاسد رژیم له مخالفینو سره به یې وکړي. او له بلې خوا اسرائیل داسې نا قانونه عمل کوي او د ملګرو ملتونو او نړیوالې ټوانې غوښتنو او پریکړو ته هیڅ پاس نلري نو بیا ددې معنا داده چې امریکا پخپله دغه سیمه کې تاوتریخوالي غواړي چې په نتیجه کې به په منځنی ختیځ کې د رامینځته کیدونکو عواقبو مسوولیت خامخا امریکا ته راګرځي؛ ځکه د همدوې د استراتیژیکي دوستۍ او ملګرتیوب له سندرې څخه اسرائیل ډاډ ترلاسه کوي او خپلې زړې لنډغرۍ ته لاس اچوي او پدې توګه فلسطینیان اړ کوي چې اوربند مات کړي چې پدغه صورت کې بیا د فلسطینیانو هم حق جوړیږي چې د خپلې خاورې څخه د دفاع په منظور اسرائیلو ته توغندي او یا میزائیل وتوغوي؛ ځکه د نوو آبادیو او کورونو جوړولو حق اسرائیل نلري.

جمعی علماء در بغلان حملات انتحاری را حرام خواندند

حملات انتحاری سال هاست که از مردم ما قربانی می گیرد که این عمل غیر شرعی بوده و حتی مفتی عربستان سعودی و برخی علمای کشور نیز این عمل را حرام شمردند.

تعدادی از علمای دین و متنفذین ولایت بغلان در یک گردهمایی در شهر پلخمری با صدور قطعنامه یازده ماده یی حملات انتحاری، کشت و قاچاق مواد مخدر را حرام شمرده، از دولت تقاضای دفع و محو آن را کردند.

شورای علمای بغلان حملات انتحاری و فعالیت های ضد دولتی را حرام اعلام داشته و خواهان مبارزهٔ جدی دولت در برابر آن می باشند.آنها افزون بر این با حمایت از انتقال مسؤولیت های امنیتی از ناتو به قوای مسلح افغانستان خواهان تجهیز این قوای پس از خروج نیروهای خارجی از کشور شدند.

در بخش از قطعنامه روی قانون منع خشونت علیه زنان تماس گرفته گفتند، در صورتی که ماده های آن قانون خلاف شریعت اسلامی باشد باید رد گردد و نباید با تائید آن خشم علما و مردم افغانستان بر انگیخته شود. برخی علماء در این نشست، علت ناکامی دولت را در تامین امنیت، نادیده گرفتن نقش علماء وانمود کرده افزودند، علماء نقش شان را در میان مردم دارند دولت در همکاری با علمای دین می تواند به این امر مهم که امنیت است، دست یابد.

تراژیدی دیگر به مناسبت روز جهانی طفل!



مصباح شعیب

به گفتهٔ مسؤولان دفتر ساحوی کمسیون مستقل حقوق بشر در ولایت هرات به رسانه ها، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران طی دو ماه، بیش از هزار طفل کشور ما را که با فامیل های شان در ایران زندگی می نمودند، به صورت اجباری، بدون خانواده های شان به افغانستان انتقال داده اند. این انتقال کودکان و نوجوانان تازگی ندارد گفتهٔ می شود سال گذشته نیز حدود ده هزار و یکصد طفل را به صورت اجباری و بدون خانواده های شان خارج مرز ساخته بودند. ایران که کنوانسیون حقوق بین المللی طفل را پذیرفته است، این روند خلاف قوانین بین المللی در عرصهٔ حقوق طفل می باشد.

دفتر ساحوی کمسیون مستقل حقوق بشر در ولایت هرات گفته است، حکومت ایران می خواهد با اخراج اطفال افغان از ایران به افغانستان، خانواده های افغان را مجبور به ترک آن کشور کند.

میلیون ها تن از شهروندان کشورما در دوران جهاد و بعد از آن در اثر نا امنی ها و برخی هم به خاطر دریافت کار، راهی کشورهای همسایه و کشورهای دور و نزدیک شده بودند و هنوز هم تعدادی از شهروندان به خصوص جوانان، کشور را ترک می کنند.

مهاجرت ها که روی انگیزه های گونه گون به وقوع می پیوندد که افراد و خانواده ها به کشوری پناه برند تا از گزند های احتمالی که جان شان را در خطر می پندارند، در امان بمانند و یا به خاطر کاریابی، تلخ کلامی های کشور میزبان، تهدیدها و خطرها را پذیرا می شوند. اما دو کشور پاکستان و ایران به صورت وقفه ای – هر باری که سیاست های دولتمردان کشورما به مزاح شان برابر نیامد – موجب اذیت و آزار افغانانی می گردند که در کشور شان زیست می نمایند.

اما این تصمیم کشور ایران عادلانه به نظر نمی رسد که اطفال و نوجوانان را از خانواده های شان جدا سازد. با رد مرز نمودن اطفال علاوه از اینکه سبب نگرانی خانواده ها می شود، به این هم فکر شده است که سرنوشت این اطفال به کجا می انجامد؟ اکثریت اینها با آدرس و شناخت اقارب و نزدیکان شان در افغانستان بیگانه اند، بیم آن می رود تا این اطفال و نوجوانان بی سرپرست به چنگ دشمنان مسلح مردم افغانستان و به دام مافیای مواد مخدر نیافتند و یا بلایی دیگر دامنگیر شان گردد که عواقب ناگوار در پی خواهد داشت.